

بررسی میزان انطباق محتوای آموزشی با نیازهای آموزشی دانشجویان رشته های کاردانی دانشکده بهداشت رشت

* مهرداد فرخی*، سلمه تیموری**، فردین مهرابیان**، داریوش نقی پور*

*استادیار گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان

**مربی عضو هیئت علمی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان

چکیده

مقدمه: برنامه ریزان آموزشی طی سه دهه گذشته توجه خاصی به این پرسش داشته اند که چه مباحث و موضوعاتی در دروس مختلف باید تدریس شود و برای دانشجویان چه نوع مواد و وسایل آموزشی و توسط چه کسانی باید آماده شود. هدف فعالیت های آموزشی رشد آگاهی و توانای های بالقوه انسان است. آموزش وسیله ای برای شناسایی مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و پی بردن به راه حل های مناسب برای آنهاست. این مطالعه با هدف بررسی میزان انطباق محتوای آموزشی در قالب چهار سوال پژوهش در رابطه با نیاز دانشجویان در رشته های موجود مقطع کاردانی دانشکده بهداشت رشت انجام شد.

روش ها: در این پژوهش توصیفی-تحلیلی که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۷-۸۶ انجام شد. جامعه آماری ۲۷۰ نفر از کلیه دانشجویان در مقطع کاردانی رشته های موجود دانشکده بهداشت رشت بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای مشتمل بر ۱- مشخصات دموگرافیک ۲- سوالات مربوط به انطباق محتوای آموزشی با نیاز دانشجویان و بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت بود. پس از توزیع پرسشنامه ها تعداد ۱۹۱ پرسشنامه تکمیل شده جمع آوری گردید. سپس جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS و آزمون های (χ^2) خی دو و t-test استفاده شد.

یافته ها: در زمینه سوال اول پژوهش که بررسی میزان پاسخگویی محتوای آموزشی با نیاز دانشجویان بود، ۳۹/۰۷ درصد میزان آن را در حد متوسط اعلام و ۱۷/۰۴ درصد خیلی کم و فقط ۳/۵۸ درصد انطباق محتوای آموزشی با نیاز دانشجویان را خیلی زیاد می دانستند. در زمینه سوال دوم پژوهش که بررسی انطباق محتوای آموزشی با فرایند رشد تفکر انتقادی دانشجویان است، ۴۵/۱۹ درصد میزان انطباق را متوسط و ۶/۵ درصد خیلی کم و ۴/۷۰ درصد خیلی زیاد اعلام نمودند. در سوال سوم نیز که تدوین محتوای آموزشی با توجه به نیاز برکسب توانمندی دانشجویان جهت ارائه خدمات در شرایط اقلیمی متفاوت است، ۴۲/۱۸ درصد گزینه متوسط و ۶/۳۲ درصد گزینه خیلی کم و ۵/۱۴ درصد گزینه خیلی زیاد و در نهایت سوال چهارم پژوهش عملکرد برنامه ریزی آموزشی در دانشکده جهت آماده ساختن دانشجو برای خدمات موثر شغل آینده او ۴۶/۵۵ درصد گزینه متوسط و ۷/۶ درصد گزینه خیلی کم و ۵/۵۶ درصد خیلی زیاد را انتخاب نمودند.

نتیجه گیری: براساس نتایج بدست آمده میزان انطباق محتوای آموزشی با نیاز دانشجویان در حد متوسط است. در مجموع نتایج بیانگر وجود نقایصی در ارائه و نحوه طراحی محتوای آموزشی دروس برحسب مناطق می باشد. با مشخص شدن نقاط ضعف در طراحی محتوای آموزشی می توان برنامه ریزی مطلوبتری جهت ارتقاء کیفی آموزشی دانشکده بهداشت رشت به عمل آورد. واژه های کلیدی: محتوای آموزشی، نیازهای آموزشی، دانشکده بهداشت

مقدمه

برنامه های آموزشی براساس شناسایی نیازها و ویژگی های هر منطقه می تواند نقش موثری در بهبود کیفیت نظام آموزشی داشته باشد. از این رو لازم است در طراحی و اجرای برنامه های آموزشی از مطلوب ترین شیوه های صحیح استفاده شود (۱).

شک نیست که هدف نظام های آموزشی می تواند بسته به شرایط اقلیمی هر منطقه و متغیر زمانی و مکانی، متفاوت باشد. شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه تاثیر بسزایی در تفاوت محتوای برنامه های آموزشی دارد. چنانچه برنامه های آموزشی

فعالیت های آموزشی هر کشور را می توان سرمایه گذاری یک نسل برای نسل دیگر دانست، هدف اصلی این سرمایه گذاری توسعه انسانی است. از طرف دیگر، نظام آموزشی هر کشور از نظر نیروی انسانی و مشاغل ایجاد شده در آن، بالاترین نسبت را در میان سازمان ها و ارگان های دولتی دارد. با توجه به گستردگی و پوشش وسیع فعالیت های نظام آموزشی، ارزشیابی سازمان های آموزشی و برنامه های آموزشی، تدوین

نویسنده مسئول: دکتر مهرداد فرخی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان،
Farrokhi@gums.ac.ir
دانشکده بهداشت

مفیدی جهت ارتقاء کیفی برنامه‌های آموزشی در دانشکده بهداشت حاصل گردد.

روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که بر روی کلیه دانشجویان دوره کاردانی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ انجام شد. پس از توزیع پرسشنامه در بین ۲۷۰ نفر از دانشجویان مقطع کاردانی رشته‌های بهداشت محیط، بهداشت عمومی با گرایش‌های بهداشت خانواده، مبارزه با بیماری‌ها و بهداشت حرفه‌ای، ۱۹۱ نفر پرسشنامه‌های حاوی اطلاعات مورد نیاز پژوهش را تکمیل نموده و عودت دادند.

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید که در آن پس از مقدمه‌ای کوتاه مبنی بر هدف پژوهش، بخش اول تعداد سه گویه در زمینه مشخصات دموگرافیک جامعه شامل جنس، سال ورود به دانشگاه و دوره و در بخش دوم ۳۲ سوال مبنی بر اطلاعات مورد نیاز پژوهش با توجه طیف لیکرت پنج درجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) (۱۱) طراحی گردید. جهت رسیدن به پاسخ ۴ سوال کلی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت که این سوالات در ارتباط با ۴ هدف اصلی به شرح ذیل بود:

۱- بررسی میزان پاسخ‌گویی محتوای آموزشی با نیاز دانشجویان، ۲- بررسی میزان انطباق محتوای آموزشی با فرایند رشد تفکر انتقادی دانشجویان (که یکی از مولفه‌های اساسی در کیفیت آموزش است) ۳- بررسی میزان توجه به نیاز دانشجویان در تدوین و طراحی محتوای آموزشی (مبنی بر کسب مهارت و توانمندی جهت ارائه خدمات در شرایط اقلیمی متفاوت) ۴- بررسی میزان مطلوبیت عملکرد دانشکده بهداشت رشت در ارائه برنامه‌های آموزشی (برای آماده ساختن دانشجویان جهت ارائه خدمات موثر شغلی در آینده).

برای کسب اعتبار علمی پرسشنامه، از روش اعتبار محتوا استفاده شد. بدین صورت که پرسشنامه تهیه شده در اختیار پنج نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه قرار داده شد و پس از اصلاح سوالات، روایی آن مورد تایید قرار گرفت. به منظور تعیین پایایی علمی ابزار گردآوری داده‌ها تعداد ۲۰ نفر دانشجو از جامعه آماری به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده از رشته‌های موجود کاردانی انتخاب و پرسشنامه در اختیار آنان قرار داده شد. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه پایایی آن از طریق

کشور به صورت متمرکز و بدون در نظر گرفتن نیازهای منطقه شرایط یاد شده صورت گیرد، نتایج مطلوبی در بر نخواهد داشت علاوه بر آن به تدریج که شرایط تغییر می‌کند، لازم است که برنامه‌ها و اهداف نظام آموزشی نیز متناسب با این تغییرات تعدیل شود. زیرا؛ نیاز به یادگیری زیربنای هر نظام آموزشی است و ارزیابی نیازهای آموزشی امری حیاتی در فرایند آموزش است (۳ و ۲). دانشگاه را می‌توان به عنوان یک سیستم دارای ورودی، خروجی و مجموعه‌ای از فرایندها در نظر گرفت که شامل فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و غیره است. از این دیدگاه، سیستم دانشگاه در محیط جامعه فعال است. لذا باید این سیستم بتواند خود را با محیط بیرون متعادل کند و ارتباط منظم و فعالی را برای حفظ پویایی و حیاط هدفدار خود دنبال کند. نکته مهم و اساسی این است که باید در سیستم دانشگاه بازخوردی مناسب (درک کنترل فعالیت‌ها) وجود داشته باشد تا سیستم همواره مورد ارزیابی قرار گیرد، اشکالات و ضعف‌ها شناسایی شود و سپس جهت رفع آنها و تقویت نقاط قوت، تدابیر لازم اتخاذ گردد (۴). دانشجویان را می‌توان به عنوان عناصر اصلی آموزش، بهترین منبع اطلاعات مورد نیاز جهت تعیین کیفیت تدریس و آموزش به شمار آورد (۵). همچنین موضوع و محتوای درسی باید مبتنی بر تقاضای اجتماع و برخاسته از آن باشد، اگر قرار باشد میان این دو تعبیر انتخابی صورت گیرد، بهترین راه این است که هر دوی آنها را با هم تلفیق کنیم و با هم در نظر بگیریم (۶). در این رابطه مصطفی عسگریان مطالعه‌ای در سال ۱۳۷۱ با هدف بررسی انطباق محتوای آموزشی با نیازهای جامعه و چگونگی برنامه ریزی انجام داد (۷). تغییر در برنامه و محتوای آموزشی در جهت نگرش بیشتر به نیازهای جامعه با توجه به عوامل گوناگون تاثیر گذار بر برنامه درسی اجتناب ناپذیر است (۸). محتوای آموزشی باید طوری سازماندهی گردد تا نیازهای آموزشی گروه مخاطب را تامین نماید و در این خصوص می‌توان از روش‌های ذیل استفاده کرد: سازماندهی از ساده به مشکل، سازماندهی محتوا بر اساس پیش نیازها، سازماندهی محتوا از کل به جزء و سازماندهی محتوا براساس ترتیب زمانی (۹). مایکل تودارو و همکاران نیز در سال ۱۹۸۷ پژوهشی را با هدف میزان تطابق اهداف آموزشی دانشگاه‌ها با نیازهای جامعه انجام داد (۱۰). در این راستا سعی گردیده است با بررسی میزان انطباق محتوای آموزشی با نیازهای دانشجویان رشته‌های کاردانی دانشکده بهداشت رشت میزان تحقق نیازهای دانشجویان را بررسی گردیده و اطلاعات

ضریب آلفای کرونباخ 0.92 درصد به دست آمد که بیانگر همسانی درونی سوالات و پایایی معقول پرسشنامه بود. پس از تنظیم نهایی، پرسشنامه ها در اختیار دانشجویان قرار گرفت. جهت تبیین یافته‌ها، گویه‌های پرسشنامه نمره‌گذاری شد و نهایتاً نمره کل پرسشنامه محاسبه گردید. سپس به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه جمع‌آوری شده از روش آمار توصیفی از جمله درصد فراوانی، میانگین، درصد واقعی و درصد تراکمی، و برای تحلیل داده‌ها از روش آمار استنباطی متغیرهای پژوهش مانند آزمون χ^2 ، t -test و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر نتایج حاصل از اطلاعات دموگرافیک نشان می‌دهد از مجموع ۱۹۱ نفر شرکت کننده در این پژوهش ۱۱۶ نفر (۶۰/۷ درصد) زن و ۷۵ نفر (۳۹/۳ درصد) مرد بودند. ۷۹ درصد دانشجویان در دروس پایه و تخصصی و ۲۱ درصد در دوره کارآموزی در عرصه بودند. جدول شماره یک شاخص‌های آماری سوالات پژوهش را به تفکیک نشان می‌دهد. جدول شماره ۲ بیانگر آن است که مقدار Z بدست آمده در مورد سوال دوم و چهارم معنی دار است ($p < 0.05$)، بنابراین توزیع دو متغیر فوق نرمال بوده و جهت بررسی و تحلیل آن از مفروضه‌های آمار پارامتریک (t تک گروهی) استفاده شد. مقدار Z سوالات اول و سوم پژوهش که معنی دار نبوده و توزیع دو متغیر نرمال نیست، جهت تحلیل آن از مفروضه‌های آمار ناپارامتریک (خی دو χ^2) استفاده شد (جدول ۲).

آزمون χ^2 جهت بررسی سوال اول پژوهش نشان داد که مقدار X^2 با درجه آزادی ۲۷ برابر با ۸۶/۳۴ می باشد و در سطح ۱ درصد معنی دار است. جهت بررسی سوال دوم پژوهش از آزمون t تک گروهی استفاده گردید و مقدار t برابر با ۰/۸۲- بدست آمد در حالی که میانگین نظری و انحراف معیار به ترتیب برابر با ۲/۹۶ و ۰/۶۲ بود که بیانگر آن است که اختلاف بین گزینه متوسط با سایر گزینه ها در رابطه با شیوه ارایه

محتوای آموزشی با فرایند رشد تفکر انتقادی دانشجویان معنی دار است. آزمون χ^2 جهت بررسی سوال سوم پژوهش نشان داد که مقدار χ^2 با درجه آزادی ۲۴ برابر با ۱۰۱/۷۳ می باشد و در سطح ۱ درصد معنی دار است و نشان می دهد که تدریس و ارایه محتوای آموزشی با توجه به شرایط اقلیمی متفاوت مطابق با گزینه متوسط است.

در آزمون t تک گروهی که به بررسی سوال چهارم پژوهش می پردازد، مقدار t بدست آمده برابر با ۱/۳۷- بدست آمد در حالیکه میانگین نظری و انحراف معیار به ترتیب برابر با ۲/۹۴ و ۰/۵۹ بدست آمد که معنی دار نبود.

در بررسی ۸ گویه مربوط به سوال اول پژوهش ۳۹/۰۷ درصد نشاندهنده انتخاب گزینه متوسط، ۱۸/۱۷ درصد گزینه زیاد، ۱۸/۱۷ درصد گزینه کم، ۱۷/۰۴ درصد گزینه خیلی کم و ۳/۵۸ درصد گزینه خیلی زیاد را به عنوان میزان پاسخگویی محتوای آموزشی با نیازهای خود انتخاب نمودند.

در بررسی ۸ گویه مربوط به سوال دوم پژوهش مشخص شد ۴۵/۱۹ درصد به گزینه متوسط، ۲۱/۶۸ درصد به گزینه زیاد، ۲۱/۹۱ درصد به گزینه کم، ۶/۵ درصد به گزینه خیلی کم و ۴/۷۰ درصد به گزینه خیلی زیاد پاسخ داده اند،

در بررسی ۸ گویه مربوط به سوال سوم پژوهش تعیین گردید ۴۲/۱۷ درصد گزینه متوسط، ۲۲/۵ درصد گزینه زیاد، ۲۳/۸۴ درصد گزینه کم، ۶/۳۲ درصد گزینه خیلی کم و ۵/۱۴ درصد گزینه خیلی زیاد را انتخاب نموده اند. نهایتاً در بررسی ۸ گویه مربوط به سوال چهارم پژوهش نیز مشخص شد ۴۶/۵۵ درصد به گزینه متوسط پاسخ داده اند و ۱۹/۹۹ درصد گزینه زیاد، ۲۰/۹۸ درصد گزینه کم، ۷/۶ درصد گزینه خیلی کم و ۵/۵۶ درصد گزینه خیلی زیاد را انتخاب نمودند. با توجه به درصد بالای پاسخ دهندگان به گزینه متوسط نتیجه ای که حاصل شد بیانگر آن است که ۴۶/۵۵ درصد معتقدند که برنامه‌های آموزشی دانشکده بهداشت در حد نسبتاً متوسط قرار دارد.

جدول ۱: شاخص های آماری سوالات پژوهش

سوال	شاخص های مرکزی			شاخص های پراکندگی			شاخص های توزیع	
	نما	میانه	میانگین	دامنه تغییرات	واریانس	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	میزان کجی / کشیدگی
سوال اول پژوهش (آیا محتوای مواد آموزشی رشته های موجود در دانشکده بهداشت رشت پاسخگوی نیاز دانشجویان می باشد)	۳	۲/۷	۲/۶۸	۳/۶۳	۰/۵۲	۰/۷۲	۰/۰۵	-۰/۳۴
سوال دوم پژوهش (آیا شیوه ارائه محتوای آموزشی در فرایند رشد تفکر انتقادی دانشجویان دانشکده بهداشت رشت موثر بوده است)	۲/۸۸	۳	۲/۹۶	۳/۷۵	۰/۳۹	۰/۶۲	۰/۰۴	-۰/۳۶
سوال سوم پژوهش (آیا در تدوین و طراحی محتوای آموزشی به نیاز دانشجویان برای کسب مهارت و توانمندی، جهت ارائه خدمات در شرایط اقلیمی متفاوت توجه شده است)	۲/۸۸	۳	۲/۹۷	۳/۵۰	۰/۳۶	۰/۶۰	۰/۰۴	۰/۲۰
سوال چهارم پژوهش (آیا دانشکده بهداشت رشت در ارائه برنامه های آموزشی خود برای آماده ساختن دانشجو جهت خدمات موثر شغل آینده آنان عملکرد مطلوب داشته است)	۳	۳	۲/۹۴	۳/۵۰	۰/۳۵	۰/۵۹	۰/۰۴	-۰/۳۲

جدول ۲: بررسی مفروضه نرمال بودن متغیرها

نام متغیر	میزان Z	سطح معنی داری
سوال اول پژوهش (آیا محتوای مواد آموزشی رشته های موجود در دانشکده بهداشت رشت پاسخگوی نیاز دانشجویان می باشد)	۰/۹۰	-----
سوال دوم پژوهش (آیا شیوه ارائه محتوای آموزشی در فرایند رشد تفکر انتقادی دانشجویان دانشکده بهداشت رشت موثر بوده است)	۱/۳۹	۰/۰۵
سوال سوم پژوهش (آیا در تدوین و طراحی محتوای آموزشی به نیاز دانشجویان مبنی بر کسب مهارت و توانمندی، جهت ارائه خدمات در شرایط اقلیمی متفاوت توجه شده است)	۰/۸۰	-----
سوال چهارم پژوهش (آیا دانشکده بهداشت رشت در ارائه برنامه های آموزشی خود برای آماده ساختن دانشجو جهت خدمات موثر شغل آینده آنان عملکرد مطلوب داشته است)	۱/۴۴	۰/۰۵

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به منظور بررسی میزان انطباق محتوای برنامه های آموزشی با نیازهای دانشجویان دوره کاردانی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گیلان صورت گرفت. نتایج سوال اول پژوهش که بررسی میزان پاسخگویی محتوای آموزشی با نیاز دانشجویان بود، نشان داد که محتوای مواد آموزشی رشته های موجود در دانشکده بهداشت رشت

نمی تواند نیاز آموزشی دانشجویان را بطور کامل برآورده سازد و به طور نسبی نیز در زمینه دروس تخصصی پاسخگوی نیاز دانشجویان نبوده و به بررسی بیشتری جهت تولید محتوای غنی تر نیاز دارد. لذا طراحی و تدوین دروسی که دستیابی به هدف مهارت های حرفه ای را ممکن سازد و آن را ارزشیابی نموده و عملکرد دانشجویان را با معیار مشخص در حداقل زمان، هزینه و نیرو بر آورد نماید، مورد نیاز است. راسخ

(۱۳۶۶) ضمن اذعان بر موضوع کهنگی برنامه و مواد درسی که اغلب از موسسات علمی مشابه خارجی تقلید شده، عنوان می کند دانشگاه با محیط اجتماعی خود پیوند نا استوار داشته و دانشمندانی که در دانشگاه ها هستند غالباً از یاد می برند که در جامعه در حال رشد زندگی می کنند (۱۲). یافته های پژوهش عسگریان (۱۳۷۱) در رابطه با عدم انطباق محتوای آموزشی با نیازهای جامعه و ضعف برنامه درسی و آموزشی و تقلید سیستم آموزش عالی از کشورهای غربی با یافته های این تحقیق همخوانی دارد (۷). همچنین یافته های تودارو (۱۹۸۷) مبنی بر بیگانه بودن دانشگاه های جهان سوم با نیازهای واقعی توسعه نیز با نتیجه این سوال پژوهش قرابت دارد (۱۰). بنابر این می توان نتیجه گرفت که در زمینه دروس تخصصی محتوای مواد آموزشی نیاز به بررسی جهت تولید محتوای غنی تر است.

نتایج حاصل از بررسی سوال دوم پژوهش نشان می دهد که شیوه تدریس و ارائه محتوای آموزشی با فرایند رشد تفکر انتقادی دانشجویان که یکی از مؤلفه های اساسی در کیفیت آموزشی دانشجویان است متوسط ارزیابی گردیده است. نتیجه حاصل از این سوال با پژوهش زاهدی (۱۳۸۳) با موضوع مؤلفه های کیفیت در آموزش عالی همسویی دارد. او پس از بررسی شاخص های کیفیت، منابع و کتاب های درسی، فضای آموزشی، الگوی تدریس و شیوه های ارزشیابی، رابطه آنها با فرایند رشد تفکر انتقادی در دانشجویان را از عوامل مهم در ارتقاء کیفیت آموزشی دانشگاه بیان کرد (۱۳). همچنین به نظر رهنا (۱۳۵۴) ابتکار و نوآوری در بعضی موارد ناشایست تلقی می شود و تربیت فکری، اخلاقی و اجتماعی جوانان که پیش از این ناقص بوده در دانشگاه با همان نقصان باقی می ماند (۱۴). راسخ (۱۳۶۶) نیز معتقد بود دانشگاه به جای تربیت افراد مبتکر و متصرف، موجوداتی فعل پذیر و مقلد به جامعه تحویل می دهد (۱۲). مطالعات مشابه بریزر (۱۹۹۶) در کالج رویال بر روی دانشجویان علوم پزشکی ارتباط معنی داری را بین پیشرفت تحصیلی و کیفیت تدریس و آموزش نشان داد (۱۵).

نتایج حاصل از سوال سوم پژوهش و مقایسه میانگین ها نشان داد که تدریس و ارائه محتوای آموزشی با توجه به نیاز استان و مناطق خاص آب و هوایی تقریباً مطابق با گزینه متوسط

بوده و توجه خاصی به شرایط اقلیمی خاص استان صورت نمی گیرد. برخی محققان معتقدند که آموزش علوم باید در مناطق مختلف برحسب نیازهای آموزشی آن مناطق تغییر کند، سیاست گذاری نامناسب مدیریتی در دانشگاه ها منجر به نارضایتی دانشجویان و اعضای هیات علمی می شود (۱۶). تدوین و تعدیل برنامه های آموزشی باید با رعایت اصول پنج گانه آموزشی جامعه نگر شامل: حضور در جامعه جهت کشف مسایل مربوط به سلامت، کار در جامعه برای شناخت عمیق تر، کار در جامعه آماری تعریف شده به منظور شناخت علمی و حضور در نظام ارائه خدمات مربوط به سلامت و کار با موارد اپیدمیولوژیک را جهت دسترسی به هدف تربیت نیروهای محقق و متخصص است (۱۷). نتایج حاکی از آن است که توجه چندانی به ارایه محتوای آموزشی با توجه به نیاز استان صورت نمی گیرد و باید جهت ایجاد مهارت در دانشجویان برای خدمات موثر شغل آینده آنان بر حسب نیاز استان در برنامه ریزی محتوای دروس تخصصی آنان تجدید نظریه عمل آید.

نتایج سوال چهارم پژوهش نشان داد که برنامه های آموزشی دانشکده بهداشت توسط دانشجویان متوسط ارزیابی شده است. پیشنهاد می گردد جهت آماده ساختن دانشجویان برای خدمات موثر و کارآمدتر باید مواد آموزشی غنی تری تدوین گردد. در مجموع نتایج بیانگر وجود نقایصی در ارایه و نحوه طراحی محتوای آموزشی دروس بر حسب مناطق می باشد، با مشخص شدن نقاط ضعف در طراحی محتوای آموزشی می توان برنامه ریزی مطلوب تری جهت ارتقاء کیفی آموزشی دانشکده بهداشت رشت به عمل آورد.

معین (۱۳۷۱) معتقد است که عواملی نظیر غلبه مشکلات اقتصادی به اشتغالات علمی- آموزشی، تراکم برنامه های آموزش اعضای هیات علمی، کم رنگ شدن روند تأسیس دوره های تحصیلات تکمیلی و توسعه و تقویت نهادهای جدید آموزش عالی و تحقیقات، ضعف در تامین اعضای هیات علمی، محتوای آموزشی با گرایش به سمت سودآور کردن آموزش و غفلت از نقش و اهمیت تحقیقات کاربردی در علوم انسانی و پایه، مسائلی است که آموزش عالی با آنها مواجه است (۱۸) و به نظر می رسد که جملگی این عوامل دامن گیر موسسه آموزشی نو بنیادی مانند دانشکده بهداشت نیز می باشد.

منابع

- ۱- بازرگان عباس. سیستم نشانگرهای آموزش و کاربرد آن در تحلیل کارآیی دانشگاهی. فصلنامه علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۷۲؛ ۱۶: ۹-۱۰.
- ۲- بازرگان عباس. ارزشیابی آموزشی. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۸۰.
- 3- Grant J. Learning , Needs Assessment :Assessing The Needs. BMJ 2002 ;324:156-9.
- ۴- شمس ناصر. طراحی و تبیین شاخص‌های بهره‌وری دانشگاه‌ها. چاپ پنجم تهران: مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیرکبیر. ۱۳۷۸.
- 5- Mannins p. Standards for teaching in medical school double or nothing. Medical teacher 1999; 21(6):543-545.
- ۶- تقی پور ظهیر علی. مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. چاپ نهم. تهران: آگاه. ۱۳۷۵.
- ۷- عسگریان مصطفی. سازمان و مدیریت در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۷۱.
- ۸- سلطانی عربشاهی سید کامران، بیابانگردی زینب. برنامه‌ها و محتوای آموزش در انطباق با نیازهای جامعه. مجموعه مقالات همایش تعلیم و تربیت در گروه پزشکی. تهران ۱۳۷۳ انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران. صفحه ۴۲-۴۹.
- ۹- سلطانی ایرج، اثربخشی آموزش در سازمان‌های صنعتی و تولیدی، مجله تدبیر ۱۳۸۰؛ ۱۱۹: صفحه ۳۹-۵۱.
- ۱۰- فرجادی غلامعلی. در ترجمه: توسعه اقتصادی در جهان سوم. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۶۷.
- ۱۱- فرامرز رفیع پور. کند و کاوها و پنداشته‌ها. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۸.
- ۱۲- راسخ شاپور، تعلیم و تربیت در جهان امروز. چاپ سوم تهران: نشر نو. ۱۳۶۶.
- ۱۳- زاهدی پروانه. مولفه‌های کیفیت در آموزش عالی. مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای کیفیت در آموزش عالی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. ۱۳۸۳: ۲۱۶-۲۱۷.
- ۱۴- رهنما مجید. مسایل کنونی کشورهای آسیایی و آفریقایی. تهران: موسسه مطالعه و تحقیقات اجتماعی. ۱۳۴۵.
- 15- Braizier H , connery RM. Library use and academic achievement among Medical students. Med Educ, 1996; 30(2):142-52.
- 16- Hunt LM, Benito PW. The basic science curriculum: a major problem in dental education. J dent educ 1975; 36:1060.
- ۱۷- جوادی، مرضیه. بررسی میزان تطبیق برنامه‌های آموزش گروه‌های داخلی، جراحی، اطفال، روان پزشکی و زنان و مامایی با اصول آموزش پزشکی جامعه نگر. پایان نامه: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. ۱۳۷۳.
- ۱۸- معین مصطفی. کارنامه آموزش عالی، چشم‌اندازهای امید بخش در آموزش عالی تهران دفتر دانش. ۱۳۷۱.

Study on Adaptation of Educational Contents and Educational Needs in Public Health School of Guilan University of Medical Sciences.

*Mehrdad Farrokhi, **Salameh Teimouri, ***Fardin mehrabian, ****Darioush Naghipour

* Assistant Professor of Public Health School, Guilan University of Medical Sciences.

**MSC, Public Health School, Guilan University of Medical Sciences.

*** Instructor, Public Health School, Guilan University of Medical Sciences.

**** Assistant Professor, Public Health School, Guilan University of Medical Sciences.

Abstract

Introduction: In recent three decades, educational planners have paid attention about core curriculum, how and which educational materials should be prepared. The goal of education is to develop student's knowledge, competencies and so to recognize social, economical and cultural problems and solving them.

Objective: Determination of adaptation rate of educational contents with student's educational needs in public health school of Guilan university of medical sciences.

Material and Methods: This analytical descriptive study was conducted on 270 students in public health faculty of Guilan University of medical sciences in 2008. Information about demographical characteristics of students and main questions about study was obtained by a questionnaire with 32 questions. The questionnaire was designed by lickert scale methods. Data were collected and analyzed by SPSS software.

Results: The first question of questionnaire, meeting of educational contents to students need was evaluated very poor by 39.07% of students, average by 17.04% and satisfactory by 20%. about second question, effectiveness of educational contents in improving student thinking, 45.19% of students identified it as average, 6.5% very poor and 4.7% satisfactory. Third question of study, relationship between educational contents and geographical condition, 42.18% of students described it as average, 6.32% very poor and 5.14% satisfactory. About fourth question, effectiveness of educational contents in preparing students for effective services in his/her job in the future, 46.55% of students stated average, 7.6% very poor and 5.56% satisfactory.

Conclusion: generally, meeting of educational contents and educational needs was at the intermediate level. These results show that educational contents need to be revised for increasing educational quality in faculty of public health.

Keywords: educational contents, educational needs, school of health

Corresponding Author: Mehrdad Farrokhi, Assistant professor of public health school, Guilan university of medical sciences.
Farrokhi@gums.ac.ir